

امام هادی(ع) غالیان را تحمل نمی‌کردند/ تفاوت نگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله مصباح به دین

حجت‌الاسلام علیرضا ایمانی مقدم، استاد حوزه و دانشگاه و مشاور رئیس مجمع جهانی اهل بیت(ع)، مواجهه امام هادی(ع) با غالیان را یکی از فعالیت‌های مهم آن حضرت برشمرد و تأکید کرد:



حجت‌الاسلام علیرضا ایمانی مقدم، استاد حوزه و دانشگاه و مشاور رئیس مجمع جهانی اهل بیت(ع)، مواجهه امام هادی(ع) با غالیان را یکی از فعالیت‌های مهم آن حضرت برشمرد و تأکید کرد: امام هادی(ع) چند نوع مواجهه و برخورد با این افراد داشت که برای مبلغان دینی ما درس است.

علیرضا ایمانی مقدم به گزارش ایکنا، ۱۶ بهمن ماه سال جاری مصادف با سوم رجب و سالروز شهادت امام هادی(ع)، دهمین امام شیعیان است. امامی که یکی از طولانی‌ترین مدت‌های امامت را داشتند و بیشترین ظلم‌ها هم از سوی خلفای عباسی در شان ایشان صورت گرفت. برای آشنایی بیشتر با برخی ابعاد زندگی آن حضرت، خبرنگار ایکنا گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا ایمانی مقدم، معاون فرهنگی سابق مجمع جهانی اهل بیت(ع) و مشاور کنونی رئیس مجمع انجام داده که می‌خوانید:

ایکنا- کمی درباره زندگی آن امام و دوران سختی که ایشان سپری کردند بفرمایید.

وجود مقدس امام هادی(ع)، ابوالحسن ثالث هستند، یعنی ۵ تن از ائمه(ع) دارای لقب ابوالحسن هستند؛ حضرت امیرالمؤمنین(ع)، امام سجاد(ع) و البته وقتی گفته می‌شود ابوالحسن اول منظور امام کاظم(ع)، ابوالحسن ثانی امام رضا(ع) و ابوالحسن ثالث امام هادی(ع) هستند. ایشان متولد ۲۱۲ در مدینه بودند.

پدرشان ۱۷ ساله بودند که این وجود نازنین به دنیا آمدند، هشت سال با آن حضرت زندگی کردند تا سال ۲۲۰ که امام جواد(ع) شهید شدند، امامت به این امام بزرگوار منتقل شد و یکی از طولانی‌ترین دوران امامت مربوط به این وجود گرامی است، همانند جدشان امام صادق(ع) که ۳۵ سال امامت کردند ایشان هم ۳۳ سال امامت داشتند و در طول این مدت با شش تن از خلفای جائر عباسی مواجه بودند که خبیث‌ترین آنها متوکل عباسی بود که ۱۶ سال با امام هم عصر بود.

برای شناخت بهتر امام هادی(ع) باید ابتدا این خلیفه جائر را بهتر بشناسیم؛ او دشمن سرسخت امیرالمؤمنین(ع) بود و از طرفی دستور تخریب قبر حضرت سیدالشهداء(ع) را داد به گونه‌ای که منطقه بارگاه مطهر را شخم زدند و کشاورزی کردند و آب رها کردند.

در کل خلفا نداریم کسی که مست باشد و جام شراب در دست، امام معصوم(ع) را به چنین مجلسی دعوت کند و شراب تعارف کند. خلفای دیگر، ائمه(ع) را آزار می‌دادند ولی چنین کارهایی بی سابقه است.

امام هادی(ع) در زمانی زیستند که خلفای عباسی تصمیم گرفتند ایشان و فرزندشان را به منطقه عسکر در بغداد تبعید کنند، خلفای عباسی با هر کدام از ائمه(ع)، به گونه‌ای برخورد کردند، هارون ملعون امام کاظم(ع) را با شکنجه و زندان مدیریت می‌کرد، مامون، امام رضا(ع) را با ولیعهدی زیر نظر گرفت و دو دخترش را هم به امام رضا(ع) و امام جواد(ع) داد. امام هادی(ع) هم با محصور شدن در منطقه عسکر تحت کنترل بودند.

ایکنا- ظاهراً امام هادی(ع) در توسعه نهاد وکالت نقش مهمی داشتند که در تاریخ تشیع اهمیت فراوانی دارد.

بله؛ از برجسته‌ترین ویژگی‌های امام هادی(ع) فعال کردن و توسعه نهاد وکالت بود، چون امام دهم و یازدهم در بین سربازان و ماموران حکومت عباسی بودند و نمی‌توانستند تحرک چندانی داشته باشند لذا نهاد وکالت را توسعه دادند و در چهار منطقه یعنی بغداد، بصره، قم و حجاز وکیل قرار داده بودند و ارتباط با شیعیان از این طریق انجام می‌شد. بغداد شامل عراق و کوفه و ... بود، بصره، شامل اهواز و فارس و کرمان، قم شامل جبال و همدان تا کرمانشاه و .. و حجاز هم شامل شبه جزیره عربستان و مصر و ... است. امام(ع) ده‌ها نماینده در این مناطق داشتند و از طریق آنان معارف اهل بیت(ع) آموزش داده می‌شد.

امام(ع) غلامی داشتند به نام عثمان سمان(روغن فروش)، ایشان به بهانه آوردن روغن برای امام(ع)، نامه‌های شیعیان، سؤالات و مطالب مهم را به حضرت منتقل می‌کردند و به بهانه فروختن روغن به امام(ع) با ایشان مرتبط بودند و وجوهات را هم تقدیم می‌کردند. روایات اینطور و با این گرفتاری‌ها و سختی‌ها به دست ما رسیده است و نباید تصور کنیم به آسانی در اختیار ما قرار گرفته است. همین آقای عثمان در دوره امام عسکری(ع) هم در خدمت آن امام بود و در دوره امام زمان(عج) هم از نواب و سفیرای

چهارگانه و خاص ایشان بود و اگر این نهاد وکالت به این شکل تداوم نداشت امروز خبری از شیعه نبود. ایکنه امام هادی(ع) در دوران امامت خود مقابله و چه مواجهه ای با غالیان و غالی گری داشتند. این مواجهه چگونه انجام می شد؟

یکی از مشکلات دوره امام عسکری(ع)، وجود غالیان، افراطیون و تندروها بود؛ برخی می گفتند امام عسکری خدا یا پیامبر(ص) است. امام هادی(ع) چند نوع مواجهه و برخورد با این افراد داشت که برای مبلغان دینی ما درس است، برخی از آنها را که امام از اصلاحشان نومید بود می فرمود اگر دیدید آنها را بکشید و اعدام کنید، چون هدایت نمی شوند، برخی را می فرمودند که لعنت کنید تا خدا بر آنها عذاب نازل کند ولی کسانی که قابل هدایت می دید هدایت و ارشاد می فرمود.

اواخر عمر متوکل، چند بار امام(ع) را به کاخ خود دعوت کرد و خانواده ایشان نگران بودند تا مبادا امام را شهید کنند ولی امام(ع) فرمودند که نگران نباشید این ملعون زودتر از من می میرد و همین طور هم شد و متوکل توسط پسرش ترور شد زیرا متوکل دلقکی به دربار آورده بود و سر او را تاس کرده بود و متکای بزرگی را هم روی شکم او قرار داده بودند و مثلا به تمسخر امام علی(ع) می پرداخت و متوکل می خندید، پسرش به او معترض بود که ما با بنی هاشم فامیل هستیم و چرا آنها را مسخره می کنی ولی متوکل گوش به حرف نمی داد لذا این پسر کینه پدر را به دل گرفت و سرانجام او را کشت. بعد از مرگ متوکل هم یکی دو خلیفه دیگر از جمله معتز روی کار آمدند و سرانجام در دوره معتز این امام همام به شهادت رسیدند.

زنی در زمان امام هادی(ع) مدعی شد که من زینب کبری، دختر امیرالمؤمنین هستم و تا حالا عمر کرده ام، متوکل جوابی نداشت بنابراین دنیال امام هادی(ع) فرستادند و امام(ع)، فرمود که ما اهل بیت(ع)، گوشت و پوستمان به درندگان حرام است و آنها با ما کاری ندارند، اگر این زن راست می گوید او را در قفس شیرها و ببرها بیندازید و متوکل این کار را کرد ولی آن زن به غلط کردن افتاد و ابراز پشیمانی کرد. درباریان گفتند همین امتحان را روی امام هادی(ع) هم بکنیم و او را وارد قفس کردند ولی تا امام وارد قفس حیوانات شدند همه آنها در برابر امام(ع) حلقه زدند و کرنش کردند، وقتی درباریان این صحنه را دیدند اوضاع را خطرناک توصیف کردند و گفتند اگر این خبر بین مردم پخش شود اوضاع بهم خواهد ریخت لذا سریع امام(ع) را دور کردند تا کرامت امام(ع) منتشر نشود.

ایکنه یکی از مهمترین القاب امام دهم، هادی است، در دنیای کنونی، برخی می گویند ما وظیفه ای در قبال هدایت و اجبار دیگران به دینداری نداریم و به زور نمی توان مردم را به بهشت برد. چقدر این سخن درست است و سیره ائمه چگونه بوده است؟

مشهورترین لقب امام دهم «هادی» به معنای هدایتگر است، یعنی کسی که خودش را مانند شمع می سوزاند تا جامعه را هدایت کند، البته همه ائمه(ع) هادی و عالم هستند ولی هر کدام در یک ویژگی برجسته تر هستند، به امام رضا(ع) عالم آل محمد گفته شده، به امام کاظم(ع) کاظم و به امام دهم هم هادی گفته شده است؛ ایشان فرموده اند اگر کسی نزد شما آمد و نیاز مالی یا آبرویی و یا نیاز معنوی و مسئله ای داشت او فرستاده خداوند است و باید به آن به چشم یک نعمت بنگریم و قدردان باشیم و نیاز او را برطرف کنیم و اگر نیاز به هدایتگری دارد باید او را هدایت کنیم و طوری برخورد نشود که این نعمت از دست برود و نعمت آن برای ما بماند.

یعنی نگاه امام(ع) به افراد جامعه چنین نگاهی است یعنی اگر کسی نگاه معنوی و یا مادی و فرهنگی و دینی دارد باید برطرف کنیم. حتی در نوشته برخی علمای بزرگوار ما هم آمده است که معارف دینی به چند بخش قابل تقسیم است؛ مثلا علامه طباطبایی(ره) معارف دین را به اصول و فروع دین و اخلاق تقسیم کرده است. برای اهل فن می گویم که استاد مصباح یزدی این نگاه علامه را قبول نداشت و آن را اومانستی و انسان محوری می دانست و معتقد بود که کل آیات قرآن و روایات براساس توحید و خدامحوری است؛ اول العلم معرفة الجبار و آخر العلم تفویض الامر الیه؛ یعنی محور خداوند است و همه زندگی باید بر این محور باشد ولی متأسفانه سلطه تفکر اومانستی و لیبرالیستی سبب شده تا هر کسی به فکر بیرون کشیدن گلیم خود از آب باشد و کاری به دیگران ندارند و این نگاه کاملا در تضاد و مخالفت با معارف دینی ما هست.